

تحولات چند سال اخیر نشان می‌دهد که خاورمیانه بار دیگر به صحنه‌ای برای نقش‌آفرینی گسترده و مستقیم آمریکا تبدیل شده است؛ روندی که بسیاری آن را «بازآمریکایی‌سازی» منطقه می‌نامند. این بازگشت نه فقط اقدامی تاکتیکی، بلکه نتیجه مجموعه‌ای از بحران‌های به هم پیوسته است که واشنگتن را وادار کرده است تا به جای تمرکز بر آسیا، اروپا و یا مسائل داخلی خود، بار دیگر در قلب سیاست‌های امنیتی و دیپلماتیک خاورمیانه قرار گیرد. با این حال، چنین وضعیتی می‌تواند آمریکا را وارد بحران‌های بی‌شماری کند. در نشنال اینترست مدعی شد دولت فعلی آمریکا خود را در نقطه‌ای می‌بیند که برای پایان دادن یا مهار مجموعه‌ای از جنگ‌ها و تنش‌ها ناچار به حضور فعال در خاورمیانه شده است؛ از سوریه و عراق گرفته تا لبنان و غزه، همگی در وضعیتی قرار دارند که بدون مدیریت آمریکا احتمال گسترش بحران افزایش می‌یابد.

❖ خروش واشنگتن

نقطه شروع این بازگشت، حمله حماس در ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ و ورود اسرائیل به جنگی چند جانبه بود. این جنگ نه تنها اسرائیل و حماس را درگیر کرد، بلکه سایر بازیگران محور مقاومت، از جمله حزب‌الله لبنان، گروه‌های وابسته به ایران در عراق، و حوثی‌های یمن نیز وارد تقابل با اسرائیل شدند. آمریکا در واکنش، وارد بازی شد. این دخالت از هدایت تلاش‌های بشردوستانه در غزه گرفته تا انجام حملات محدود علیه نیروهای مقاومت، همگی نشانه‌هایی از نقش‌آفرینی واشنگتن بودند. با آغاز دولت جدید ترامپ، این روند نه تنها متوقف نشد، بلکه در قالب سیاستی فعالانه‌تر ادامه یافت. دولت ترامپ در تلاش است تا آتش بس میان اسرائیل و ایران را حفظ کند، از فروپاشی غزه جلوگیری کند، شرایط را برای کاهش تنش میان دمشق و تل‌آویو فراهم سازد و هم‌زمان حزب... را زیر فشار دیپلماتیک و امنیتی قراردهد.

❖ مسیر تازه

یکی از تحولات نمادین این سال‌ها، دیدار رئیس‌جمهور سوریه، احمد الشرع با دونالد ترامپ در ۱۰ نوامبر بود؛ دیداری که می‌تواند آغازگر بازتعریف کامل رابطه آمریکا و سوریه باشد. از سال ۲۰۱۱ به این سو، آمریکا همواره به دنبال تغییر رژیم یا حداقل انزوای شدید دمشق بود، اما اکنون کاخ سفید تصمیم گرفته تا با دولت جدید سوریه تعامل مستقیم داشته باشد. در این چارچوب، واشنگتن در حال فشار بر نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) در شرق این کشور است تا در ساختار امنیتی جدید ادغام شوند. چنین روندی قطعا بدون چالش نخواهد بود، چراکه این نیروها یک نیروی سکولار، چپ‌گرا و مبتنی بر هویت کردی هستند، در حالی که ساختار امنیتی جدید دمشق هنوز دارای عناصر سنتی، قبیله‌ای و اسلامی است. با این حال آمریکا به خوبی می‌داند که بدون حفاظت از نیروهای پیشین، تمام دستاوردهای پیشین مقابل باداعش فرو خواهد ریخت. آمریکا در عراق نیز با مرحله‌ای تازه روبه‌روست. دولت ترامپ در حال بررسی این است که با کاهش تهدید داعش، ماهیت حضور آمریکا چگونه باید تغییر کند. تماس‌های مکرر مقام‌های دفاعی آمریکا با ارتش عراق، سفر مقامات بلندپایه به بغداد و انتقال نیروها به منطقه خودمختار کردستان بخشی از این بازتعریف هستند. حضور آمریکا در کردستان، که دست‌کم تا سال ۲۰۲۶ تمدید شده است، نشان می‌دهد که واشنگتن منطقه را همچنان محور ثبات می‌داند. اما لبنان یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های آمریکا در منطقه است. واشنگتن با تمام توان دیپلماتیک خود بر دولت لبنان فشار می‌آورد تا روندی برای محدودسازی یا خلع سلاح حزب... آغاز کند. این تلاش‌ها شامل سفرهای مقام‌هایی همچون تام بارک، مورگان اورتاگوس، و سباستین گورکا به بیروت است. اما واقعیت این است که حزب... از نظر نظامی، سیاسی و اجتماعی قدرتی بی‌رقیب در لبنان است و هیچ دولتی توان مقابله مستقیم با آن را ندارد. از سوی دیگر، اسرائیل حملات دقیق و مداومی علیه اهداف حزب... انجام می‌دهد، که خطر آغاز جنگی گسترده‌تر را افزایش می‌دهد. در این میان نقش آمریکا به مدیریت خطر، کنترل تنش و تلاش برای جلوگیری از یک درگیری منطقه‌ای بزرگ‌تر تبدیل شده است. در حال حاضر بزرگ‌ترین چالش واشنگتن، مسأله غزه است. دولت ترامپ از زمان آغاز به‌کار خود تلاش کرده است تا آتش بس میان اسرائیل و حماس را تثبیت کند و شرایط را برای جلوگیری از بازگشت کامل جنگ فراهم سازد. به ادعای نویسنده، نیروهای آمریکایی در نزدیکی غزه و مقام‌های سنتکام در حال طرح ریزی سازوکاری برای حفظ آرامش و جلوگیری از افزایش درگیری هستند. ایجاد نیروی امنیتی چندملیتی برای غزه که آمریکا پیشنهاد آن را داده است، نشانه‌ای از تعهد جدید واشنگتن به مدیریت مستقیم اوضاع در این نوار کوچک اما بسیار حساس است.

«آرمان ملی» در گفت‌وگو با امیر دبیری مهر مطرح می‌کند

جامعه روشنفکر مجالی برای تنفس ندارد



تنگنای معیشتی عامل انزوای طبقه روشنفکر

افول طبقه روشنفکر خواست دیرینه جریان سرمایه‌داری



آرمان ملی- سیایش پورعلی؛ شرایط اقتصادی سال‌های اخیر بسیاری از مناسبات جامعه را برهم زده است. همواره طبقات اجتماعی با معیار درآمدی سنجیده می‌شوند ولی حالا باید گفت تنها درصدی از جامعه که به منابع قدرت متصل هستند، نه تنها چالشی ندارند بلکه از روند رضایت دارند. در این بین باید به جای خالی «جریان روشنفکری ایرانی» که از گذشته تا کنون با اهداف متفاوتی در متن جامعه مدنی حضوری فعال داشت اشاره کنیم و این سوال را مطرح کنیم که در این شرایط کشور روشنفکرها کجا هستند یا چه می‌کنند که در اینجا می‌توانیم به فضایی اشاره کنیم که احمد شاملو آن را به قلم آورده است و می‌گوید: «سخن‌ها می‌توانم گفت: غم نان اگر بگذارد...». چالش‌های معیشتی از جمله مهم‌ترین دلایل افول طبقه روشنفکر و خلأق ایران محسوب می‌شود البته عوامل دیگری مانند طرد و انزوای اجتماعی، مهاجرت و برخی فشارها هم در این سقوط نقش دارند. متأسفانه جو روانی این طبقه که اکنون در لایه‌لای مطالبات بر زمین مانده، پنهان شده‌اند امیدوار کننده نیست. طی سال‌های اخیر با روند سربالی خودکشی در بین روزنامه‌نگاران روبه‌رو هستیم و در این مورد باید به اسامی مانند شیده لاملی، ابراهیم نبوی، فواد شمس، کیانوش

آرمان ملی- سیایش پورعلی؛ شرایط اقتصادی سال‌های اخیر بسیاری از مناسبات جامعه را برهم زده است. همواره طبقات اجتماعی با معیار درآمدی سنجیده می‌شوند ولی حالا باید گفت تنها درصدی از جامعه که به منابع قدرت متصل هستند، نه تنها چالشی ندارند بلکه از روند رضایت دارند. در این بین باید به جای خالی «جریان روشنفکری ایرانی» که از گذشته تا کنون با اهداف متفاوتی در متن جامعه مدنی حضوری فعال داشت اشاره کنیم و این سوال را مطرح کنیم که در این شرایط کشور روشنفکرها کجا هستند یا چه می‌کنند که در اینجا می‌توانیم به فضایی اشاره کنیم که احمد شاملو آن را به قلم آورده است و می‌گوید: «سخن‌ها می‌توانم گفت: غم نان اگر بگذارد...». چالش‌های معیشتی از جمله مهم‌ترین دلایل افول طبقه روشنفکر و خلأق ایران محسوب می‌شود البته عوامل دیگری مانند طرد و انزوای اجتماعی، مهاجرت و برخی فشارها هم در این سقوط نقش دارند. متأسفانه جو روانی این طبقه که اکنون در لایه‌لای مطالبات بر زمین مانده، پنهان شده‌اند امیدوار کننده نیست. طی سال‌های اخیر با روند سربالی خودکشی در بین روزنامه‌نگاران روبه‌رو هستیم و در این مورد باید به اسامی مانند شیده لاملی، ابراهیم نبوی، فواد شمس، کیانوش

حاکم است و نگاه بازاری به همه چیز غلبه دارد. تولیدات طبقه روشنفکر، پیشرو، شجاع و جریان‌ساز یا متوقف می‌شود یا کاهش می‌یابد زیرا مجالی برای رشد ندارد. در گذشته، پشت سر یک سینماگر، چهره‌هایی چون بهرام بیضایی، داریوش مهرجویی، و مسعود کیمیایی حضور داشتند. امروز چه؟ در عرصه‌هایی مانند روزنامه‌نگاری و دانشگاه نیز چنین است. دانشگاه، یکی از مصادیق بارز این افول است. بازگشش‌های نامربوط و جذب فله‌ای، نرفاتی به نام استاد وارد دانشگاه شده‌اند که صلاحیت علمی ندارند و برای دانشجو الهام‌بخش نیستند و در واقع موی ایجاد نمی‌کنند. همه می‌دانند که استاد واقعی چه تأثیر شگفت‌انگیزی می‌تواند داشته باشد. از سوی دیگر، معیشت و وضعیت اقتصادی، هیچ جایی برای نقش‌آفرینی صاحب فکر، فرهنگ و اندیشه نگذاشته است. این فشار در حال نابودی است. عامل دیگری نیز دخیل است؛ سیاسی‌کاری، جناح‌بندی و باند‌بازی. نخبگان تنها وقتی دیده می‌شوند که از جریان سیاسی مشخصی دفاع کنند و مستقل‌ها را نادیده می‌گیرند. رسانه‌های حزبی نیز به بزرگمایی چهره‌های خود و حذف دیگران می‌پردازند. صداوسیما به ویژه در دوره ریاست پیمان جلی به طور رسمی با افتخار اعلام می‌کند که روشنفکران را تحقیر می‌کند.

دشمنان ایران در داخل و خارج نقطه قوت ما را هدف قرار می‌دهند و با ترویج ابتدال، سطحی‌نگری و حذف اصالت‌ها به دنبال اهداف خود هستند، اما باید توجه داشت که پیوند میان نسل‌ها، واقعی و تاریخی است

❖ چرا وقتی روشنفکری مهاجرت می‌کند، دغدغه‌های جامعه را فراموش می‌کند؟

روشنفکر مانند گیاهی است که در هر خاکی رشد نمی‌کند. بهترین نویسندگان و متفکران وقتی مهاجرت می‌کنند، اغلب خشک می‌شوند. چهره‌هایی چون دکتر حسین بشیریه، سید جواد طباطبایی، بهرام بیضایی یا حتی ابراهیم نبوی همگی در ایران بسیار اثرگذار بودند تا در خارج. زیرا او کویستوست فکری آنان در ایران بود. مسأله مهاجران فقط معیشت نیست. ریشه و محیط فکری آن‌ها، مهندس کامپیوتر در کانادا می‌تواند موفق شود، اما شاعر، روزنامه‌نگار یا متفکر نیاز به خاک، زبان، محیط و زمینه دارد. با وجود همه این چالش‌ها، همچنان می‌توانیم به تجدید قوای این طبقه امیدوار بود. نخست، به دلیل مشکلات فراوان جامعه است. جوامع وقتی مسأله دارند، نیازمند فکر و مسئولیت‌پذیری خواهند شد. دوم، به دلیل تبار و ریشه عمیق فرهنگی و تمدنی ایران. شخصیت‌های بزرگ مانند پیامبر اکرم، امیرالمومنین، امام حسین و نیز شخصیت‌های تاریخی ما از این سینا، فردوسی، مولوی، حافظ، کوروش تا علمای بزرگ و اندیشمندان معاصر چون محمد علی فروغی، شاهرخ زرین‌کوب و دیگران برای جامعه مدنی همواره تأثیرگذار خواهند بود. این ریشه‌ها است که باعث شده جامعه مدنی ایران بارها چون ققنوس از خاکسترش سر برافراشته است. همان‌طور که از هجوم اعراب و مغول‌ها جان سالم بدر برده است، این سرمایه‌های درونی، همیشه در لحظات سرنوشت‌ساز نجات‌بخش بوده‌اند و دشمنان ایران در داخل و خارج نقطه قوت ما را هدف قرار می‌دهند و با ترویج ابتدال، سطحی‌نگری و حذف اصالت‌ها به دنبال اهداف خود هستند، اما باید توجه داشت که پیوند میان نسل‌ها، واقعی و تاریخی است. همان‌طور مولوی بر شانه سنایی ایستاد و عطار... که در ادبیات و فرهنگ ایران بارها چنین وابستگی‌هایی ایجاد شده است. هیچ‌کس از زیر پته بیرون نمی‌آید.

طبقه بالا اصولاً نمی‌خواهد تغییری رخ دهد، چون وضع موجود به نفع آنهاست و تنها طبقه متوسط است که خواستار تغییر است، چون می‌خواهد پیشرفت کند، عقب‌نماند و نادیده گرفته نشود

بیش از بیست سال گذشته، این اقشار پیوسته در تنگنا، انزوا و محدودیت قرار گرفته‌اند و ضعیف و کم‌رنگ شده‌اند. یکی از نشانه‌های بارز این حاشیه‌رانده شدن، مهاجرت است. مهاجرت برای طبقه متوسط به یک گزینه جدی زندگی بدل شده است؛ آنهایی هم که نرفته‌اند، با امکانش رانداشته‌اند یا شاید در آینده بروند. اخیرا مهاجرت شکل‌های جدیدی یافته است. مهاجرت از شهر به حاشیه شهر، مهاجرت از تهران به شهرستان‌های کوچک، مهاجرت درونی انزوا، افسردگی و گوشه‌نشینی.

❖ در اینجا می‌توانید به روند افول طبقه متوسط که خواستگاه روشنفکران محسوب می‌شود هم اشاره بفرمایید.

در اواخر دهه ۷۰، فکر و سلیقه و دیدگاه سیاسی فرهنگی این طبقه مورد حمله قرار گرفت. در دهه ۸۰، هم‌زمان با دولت آقای احمدی‌نژاد، معیشت و رفاه آن هدف قرار گرفت. در دهه ۹۰، بجز یک شوک الکترونیکی کوتاه در ابتدای دولت آقای روحانی، این طبقه مجدداً به حاشیه رانده شد. نتیجه این شد که طبقه متوسط احساس امید خود را برای ایفای نقش سازنده در کشور از دست داد و خود را بازیگر اصلی نمی‌بیند. درحالی که در همه جوامع، موتور محرک تحرک اجتماعی و پیشرفت، طبقه متوسط است. در این مورد باید اضافه کنم که طبقه پایین جامعه اعتماد به نفس لازم برای ایجاد تغییر را ندارد و معمولاً با شرایط موجود کنار می‌آید. اقداماتش برای تغییر هم بیشتر در قالب تخریب، بزه یا خشونت دیده می‌شود. طبقه بالا نیز اصولاً نمی‌خواهد تغییری رخ دهد، چون وضع موجود به نفع آن‌ها در حرکت است و در این بین تنها طبقه متوسط است که خواستار تغییر است، چون می‌خواهد پیشرفت کند، عقب‌نماند و نادیده گرفته نشود.

❖ با توجه به شرایط کنونی چنین میلی در این طیف اجتماعی دیده می‌شود؟

با در نظر گرفتن چالش‌ها باید در پاسخ شما بگویم که این پویایی در ایران‌ها است تا بین رفته. من معتقدم انتخابات مجلس ۹۸ که با در صلاحیت گسترده مستقل‌ها و جریان‌های شناسنامه‌دار و انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ که به انتخاب مرحوم ابراهیم رئیسی انجامید، آخرین امیدهای طبقه متوسط را برای تغییرات سازنده از میان برد. در دولت و مجلس‌کنونی به سختی می‌توان عنصر مستقل، خوش فکر، ایده‌دار، آینده‌نگر و ملی‌گرا که به طبقه متوسط تعلق داشته باشد، دید. در این مورد که این طبقه در جامعه کم‌رنگ و کم‌اهمیت شده است مثال در دنا کش حضور کامران فانی، نویسنده، مترجم، کتابدار و نسخه‌پژوه ایرانی و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و عضو هیات علمی دانشنامه تشیع در سرای سالمندان است. که نشانه‌های نگران‌کننده‌ای‌اند محسوب می‌شود. این بدان معنا است که ما حتی چهره‌های شاخص ملی را فراموش کرده‌ایم.

❖ به بازشماری عوامل تضعیف طبقه روشنفکر بازگردیم.

توجه داشته باشید که عامل سوم، نتیجه دو عامل پیشین است. در جامعه‌ای که ابتدال و سطحی‌نگری

اخیرا مهاجرت شکل‌های جدیدی یافته است. مهاجرت از شهر به حاشیه شهر، مهاجرت از تهران به شهرستان‌های کوچک، مهاجرت درونی انزوا، افسردگی و گوشه‌نشینی

تقویت دیپلماسی استانی

گشودن مسیرهایی تازه برای اشتغال و تولید داخلی

یکی از رویکردهای جدید سیاست خارجی جمهوری اسلامی، دیپلماسی استانی است، به این معنا که استان‌های مرزی، خود به بازیگران مکمل در روابط خارجی کشور به خصوص در حوزه‌های اقتصادی-تجاری، صنعتی و فرهنگی صنعتی تبدیل شوند. دیپلماسی استانی به معنای بهره‌گیری از ظرفیت‌های استان‌های مرزی در راستای اهداف سیاست خارجی است؛ جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با تمرکز بر دیپلماسی استانی، توسعه ریدورهای ترانزیتی، و بهره‌گیری از پیوندهای تاریخی و فرهنگی، جایگاه خود را در آسیای مرکزی تحکیم بخشد و از این مسیر بخشی از فشارهای اقتصادی تحریم را کاهش دهد. عباس عراقچی وزیر خارجه کشورمان اسفند ماه ۱۴۰۳ از آغاز رویکرد جدیدی در این وزارت خانه به نام دیپلماسی استانی به ویژه در استان‌هایی که مرز مشترک با کشورهای همسایه دارند خبر داد و گفت: وزارت خارجه بنا دارد همه استان‌هایی که مرز مشترک با کشورهای همسایه دارند با استانهای همجوار در آن سوی مرز، تعاملات و رفت و آمدهای دیپلماتیک برقرار کنند. دیپلماسی استانی یکی از راهکارهای مورد هدف دولت در دوران بعد از مکانیسم ماشه در جهت بهبود شرایط اقتصادی و معیشتی شهروندان محسوب می‌شود، آنچنان که تا امروز وزارت امور خارجه چندین نشست در استان‌های مختلف برای اجرا و تقویت این رویکرد در پیش گرفته است. وحید جلال زاده معاون کنسولی مجلس و ایرانیان وزارت امور خارجه نیز با اشاره به اینکه دیپلماسی استانی به چگونگی و ساز و کار تحقق اهداف و جهت‌گیری سیاست خارجی با کشورهای همسایه کمک می‌کند، گفت: باید از فرصت‌های کمیاب و بی‌نظیر استان‌ها در راستای سیاست همسایگی و تقویت سیاست خارجی استفاده کنیم. دولت چهاردهم، بر پایه همین درک نواز روابط بین الملل، مفهوم «دیپلماسی استانی» را به عنوان یکی از محورهای نوآورانه سیاست خارجی خود دنبال می‌کند؛ رویکردی که می‌خواهد سیاست خارجی را از سطح تصمیم‌گیری‌های مرکزی به سطوح اجرایی، اقتصادی و فرهنگی استان‌ها پیوند دهد. هدف نهایی دیپلماسی استانی، تقویت دیپلماسی اقتصادی و گشودن مسیرهایی تازه برای رشد اشتغال و تولید داخلی است. سیدکامل تقوی‌زاده، دبیر هیات دولت در حاشیه جلسه هیات دولت با بیان اینکه تأمین کالاهای اساسی از طریق تفویض اختیار به استانداران (در استان‌های مرزی) در دستورکار دولت قرار دارد، گفت: با شرایطی که بانک مرکزی و وزارتخانه‌های صمت، اقتصاد، بهداشت و راه‌آهن فراهم می‌کنند، واردات کالاهای اساسی از طریق گذرگاه‌های مرزی تسهیل خواهد شد. دبیر هیات دولت اعلام کرد که «بحث دیپلماسی استانی و تفویض برخی از اختیارات که در حوزه وزارت‌آر دارد، در بخش‌های صمت، معدن، کشاورزی و گردشگری و امثال آن به طور مفصل توسط دولت دسته‌بندی شده است...». در این راستا استان‌ها با تکیه بر ظرفیت‌ها و مزیت‌های جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی خود می‌توانند ارتباط با کشورهای همجوار را با سرعت و کارآمدی بیشتری گسترش دهند. محورهای اصلی این رویکرد شامل توسعه ترانزیت و اقتصاد دوجانبه، دیپلماسی انرژی، آب، محیط زیست و گردشگری است. همچنین، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و ظرفیت شرکت‌های دانش بنیان می‌تواند به تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و اقتصادی کمک کند. رئیس‌جمهور نیز بارها در نشست‌های مختلف بر رویکرد دولت مبنی بر فعال شدن دیپلماسی استانی تأکید کرده است. مسعود پزشکیان در دیدار با استاندار و اعضای مجمع نمایندگان استان کرمان، ضمن تأکید بر اهمیت «دیپلماسی استانی»، تفویض اختیار به استان‌ها را راهکاری اساسی در راستای رفع خودتخریمی‌ها دانست. او گفت: استان‌های مرزی ظرفیت‌های بسیار بالایی دارند و با بهره‌گیری مناسب از اختیارات تفویض شده می‌توانند نقش مؤثری در عرصه منطقه‌ای و اقتصادی ایفا کنند. همچنین پزشکشان افزود که بزرگ شدن بیش از حد ساختار اداری دولت یکی از عوامل مهم تورم کشور است و برای اصلاح وضعیت اقتصادی باید از خود دولت شروع کرد. جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با تأکید بر این که تقویت دیپلماسی استانی باعث ایجاد اشتغال و توسعه اقتصادی از طریق مرزها می‌شود بیان کردند که فعال شدن دیپلماسی استانی، کمک به تقویت بخش‌های خصوصی کشور است.

❖ نقطه قوت دولت چهاردهم

نماینده مهیاد و عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس با اشاره به رویکرد دولت در محور قرار دادن بخش‌های مرزی برای رشد اقتصادی کشور تأکید بر دیپلماسی استانی اظهار داشت: استان‌های مرزی ظرفیت‌های بسیار بالایی دارند و با بهره‌گیری مناسب از اختیارات تفویض شده می‌توانند نقش مؤثری در عرصه منطقه‌ای و اقتصادی ایفا کنند. همچنین پزشکشان افزود که بزرگ شدن بیش از حد ساختار اداری دولت یکی از عوامل مهم تورم کشور است و برای اصلاح وضعیت اقتصادی باید از خود دولت شروع کرد. جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با تأکید بر این که تقویت دیپلماسی استانی باعث ایجاد اشتغال و توسعه اقتصادی از طریق مرزها می‌شود بیان کردند که فعال شدن دیپلماسی استانی، کمک به تقویت بخش‌های خصوصی کشور است.

❖ تقویت دیپلماسی استانی

نماینده کرمان و عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس با تأکید بر اهمیت دیپلماسی استانی اظهار داشت: یکی از مهم‌ترین وظایفی که بر عهده وزارت امور خارجه گذاشته شده، تقویت دیپلماسی استانی است، اگر بتوانیم ظرفیت‌های اقتصادی کشور را به درستی شناسایی کنیم و از بستر ارتباطات وزارت امور خارجه با کشورهای مختلف بهره ببریم، بدون تردید این موضوع می‌تواند در تقویت دیپلماسی استانی بسیار مؤثر باشد. مجید دوست‌علی با اشاره به سفرهای استانی وزیر امور خارجه کشورمان گفت: در این سفرها ظرفیت‌های اقتصادی استان‌ها به درستی شناخته می‌شود؛ یعنی وزارت امور خارجه باید بداند در استان‌ها چه اتفاقاتی می‌افتد و چه ظرفیت‌های ارزشمندی وجود دارد. نماینده کرمان در مجلس افزود: وزارت امور خارجه می‌تواند از این ظرفیت‌ها در مسیر دیپلماسی اقتصادی استفاده کند.